



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



خون های پی

که تا رستاخیز می جوشند

اعظم عبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خون‌هایی که تا رستاخیز می‌جوشند

نویسنده:

اعظم عبادی

ناشر چاپی:

اعظم عبادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خون‌هایی که تا رستاخیز می‌جوشند
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	زبان‌های جنگ یزیدیان
۷	خسارت جبران ناپذیر
۸	ذلت مردم
۹	ضربت خوردن اسلام
۹	شکست علمی
۱۰	لکه ننگ
۱۰	اینک چند نکته
۱۱	آثار ثمربخش
۱۱	اشاره
۱۱	مکتب سیار
۱۱	تربت امام، شفای بیماران
۱۱	اشاره
۱۲	محبوبیت امام و خاندان علی بالا می‌رود
۱۲	اشاره
۱۳	یک نکته
۱۳	آل امیه منفور می‌گردد
۱۴	نهضت‌هایی که از حادثه کربلا الهام گرفت
۱۵	درس‌های عملی
۱۵	اشاره

- ۱۵ درس عزت نفس
- ۱۵ اشاره
- ۱۶ نهضت حسین از نظر «مهاتما گاندی»
- ۱۷ آثار نهضت امام حسین از نظر «مسیو ماربین» آلمانی
- ۱۷ محمد علی جناح
- ۱۷ حادثه عاشورا از نظر لیاقت علیخان
- ۱۷ اثر نهضت حسین از نظر گیبون مورخ مشهور
- ۱۷ آثار نهضت حسین از نظر «توماس کارلایل»
- ۱۷ نهضت حسین از نظر فردریک جمس
- ۱۷ کلام آخر
- ۱۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خون‌هایی که تا رستاخیز می‌جوشند

مشخصات کتاب

عنوان: خون‌هایی که تا رستاخیز می‌جوشند

پدیدآورندگان: اعظم عبادی (پدیدآور)

ناشر: اعظم عبادی

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: خوردن تربت قبر امام حسین (ع)

ولایت امام حسین (ع)

مقدمه

نهضت امام حسین (ع) علاوه بر آن که جنبه آسمانی دارد از نظر سنت‌های قبل و قوانین اجتماعی نیز حرکتی عاقلانه و ضروری و غیر قابل اجتناب بوده و اگر از جنبه امام بودن آن حضرت هم صرف نظر شود، قیام وی از دیدگاه یک سیاست مدار ورزیده و با فراست نیز خردمندانه‌ترین و واقع بینانه‌ترین نهضت به شمار می‌آید. اصول کلی این جنبش مثل قواعد ریاضی برای همیشه تازه و زنده و قابل پیروی است و از این جهت تاریخ قیام حسین بن علی (ع) از با ارزش‌ترین مباحثی است که سزاوار است برای درس گرفتن از آن بررسی و تحقیق شود. از این رو، در این مقاله آثار و نتایج آن قیام جاوید را از مجرای کارهای عقلانی و مجاری طبیعی بررسی کرده تا مکتب زنده و ارزنده آن حضرت دیگران را نیز راهنمایی کند و جوان مردان آزاده بتوانند از جنبش آموزنده پیشوای مجاهدان درس بگیرند و طبق آن عمل نمایند، زیرا همان طور که به حکم آیه: (لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوۃ حسنۃ) عمل رسول خدا (ص) سرمشق مردم است، عمل امام نیز سرمشق و راهنمای مردم است؛ چنان که امام حسین فرمود: (لکم فیّ اسوۃ) در این مبارزه عمل من سرمشق شماست. بنابراین مسلمانان باید برنامه عملی آن حضرت را به طور صحیح درک کنند و از آن پیروی نمایند. البته بحث در آثار نهضت و بهره‌هایی زاده علی (ع) از جانبازی‌های قریش و یارانش برداشت، دامنه‌ای بسیار وسیع دارد، زیرا نتایج و آثار و بهره‌های آن قیام مقدس بس بی شمار است: حال که مجال کوتاهی یافته‌ایم، می‌کوشیم تا هر چند اندک آن نتایج و آثار را بهتر بشناسیم. به طور کلی آثار و نتایج قیام امام حسین (ع) در دو بخش باید بررسی شود: نخست، آثار زیان آور این تجاوز قساوت آمیزی که از طرف پسر معاویه - یزید خون خوار - با امام و اسلام شد. در بخش دوم، هم آثار مثبت و پردازش قیام جاودانه آن امام برحق.

زیان‌های جنگ یزیدیان

خسارت جبران ناپذیر

همه می‌دانند که در فاجعه اسف‌انگیز کربلا، علاوه بر زیان‌های مالی، عده‌ای از شریف‌ترین و برگزیده‌ترین رجال اسلامی و ذخائر

پر ارزش ملی که دارای عالی‌ترین صفات انسانی هستند و نمونه‌های کامل مکتب قرآن بودند، طعمه آتش جنگ شدند و خانواده‌های آنان بی سرپرست و پریشان گشتند. از همه مهم‌تر، سبط پیغمبر (ص) و فرزند برومند علی و فاطمه (س) که حقا باید جهان انسانیت را به سوی ترقی و تکامل رهبری کنند، با آن وضع دل‌خراش به خاک و خون غلطید، و زنان و دختران خاندان رسول خدا (ص) که نمونه‌های کامل عفت اسلامی بودند، مورد تهاجم و غارت عناصر وحشی واقع شدند و در گذرگاه‌ها و مجالس عمومی در معرض تماشای مردان بیگانه قرار گرفتند. بی تردید این تهاجم وحشیانه‌ای که به خاندان رسالت شد، ضربت بزرگی بود که به دستگاه رهبری اسلامی وارد گشت و بی‌احترامی جسورانه‌ای بود که به مقام پیغمبر اکرم (ص) شد. و هیچ خسارتی بزرگ‌تر از این نمی‌شود که خاندان نبوت قتل و غارت شوند. این خسارت جبران‌ناپذیر است که مسئولیت آن به عهده حکومت ضد اسلام پسر معاویه است که با تجاوزطلبی خود این فاجعه وحشتناک را به وجود آورد.

ذلت مردم

در زمان‌هایی که حکومت‌های استبدادی مثل حکومت یزید بن معاویه همه آزادی‌ها را از مردم سلب می‌کنند و حق و عدالت را می‌کشند و با افسار گسیختگی نیروهای مالی و انسانی مردم را استثمار می‌کنند. تنها مایه امید مردم شخصیت‌های بزرگ و لایقی مثل حسین بن علی (ع) هستند که می‌توانند در شرایط مساعد از نفوذ اجتماعی و محبوبیت ملی خود استفاده کنند و طغیان حکومت سرکش را مهار نمایند و مردم را از ظلم و ستم برهانند. پس از مرگ معاویه بن ابی سفیان مردمی که بیست سال حکومت کش این دیکتاتور خون‌خوار را تحمل کرده و تشنه اصلاحات بودند. امید داشتند پیش از آن که یزید بن معاویه بر اوضاع مسلط گردد، امام حسین (ع) وضع موجود را تغییر دهد و مردم را از آن استبداد و اختناق شدید نجات بخشد. این امید و آرزو در مردم عراق که عموماً شیعیان امیرالمؤمنین (ع) بودند، بیشتر وجود داشت و همه امیدها و آرزوهای مردم عدالت خواه در شخص حسین بن علی (ع) متمرکز شده و عقیده داشتند تنها مرد مصلحی که می‌تواند به آرزوهای مردم جامه عمل بپوشاند، فرزند پیغمبر (ص) است. حال اگر این تکیه گاه امید و آرزوهای مردم به شمشیر استبداد کشته شود و اگر این زعیم عظیم، به دست عمال دولت عدالت کش یزید به خون بغلطد؛ در این صورت آیا دیگر برای مردم ستم دیده پناهگاهی وجود دارد؟ و آیا برای مردم آزادی خواهی که طغیان زیر ضربات شلاق دیکتاتوری جانشان به لب رسیده، مایه امیدی باقی می‌ماند، و آیا برای مهار کردن حکومت ستمگر بنی امیه وسیله دیگری موجود است؟ این جاست که باید گفت: پس از کشتن امام حسین (ع) مردم مسلمان در برابر حکومت یزید ذلیل‌تر و زبون‌تر شدند، زیرا با کشته شدن امام، آرزوهای آنان بر باد رفته و امیدها به ناامیدی مبدل گشته و خود را شکست خورده و بی پناه می‌دیدند. «عبد الله بن مطیع» سیاست‌مدار معروف که در شورش‌های ضد بنی امیه نقش مؤثری داشت، وقتی که بین مکه و مدینه امام حسین (ع) را ملاقات کرد. ضمن سخنانش با آن حضرت گفت: «لئن هلکت لنسترقن بعدک». اگر تو کشته شوی حکومت موجود، ما را برده و اسیر خود خواهد کرد. «یزید بن ارقم» پیر مرد صحابی آن گاه که با خشم و تنفر از مجلس عید الله بن زیاد خارج شد، گفت: «انتم معشر العرب العبید بعد الیوم، قتلتم ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه؛ شما که پسر فاطمه را کشتید و پسر مرجانه را به حکومت پذیرفتید، از این پس بردگان حکومت خواهید بود». آنچه عبد الله بن مطیع و یزید بن ارقم گفتند به وقوع پیوست و پس از حادثه کربلا- مردم بردگان دستگاه حکومت شدند. از «ابو اسحاق سبعی» پرسیدند: مردم چه وقت ذلیل شدند؟ گفت: «حین قتل الحسین؛ آن گاه که امام حسین (ع) را کشتند». از این بالاتر، کشتن امام این جنایت بزرگ تاریخ دامنه ذلت رادر حادثه کربلا به دامن خاندان رسالت هم کشانید نعوذ بالله‌واین برای خاندان عصمت به قدری رنج آور و جانکاه بود که حضرت امام رضا (ع) از روی شدت ناراحتی می‌فرماید: «ان یوم الحسین اقرح جفوننا واسبل دموعنا و اذل عزیزنا؛ کشته شدن امام حسین (ع) اشک‌های ما را ریزان و پلک‌های چشمان ما را مجروح و عزیز ما را ذلیل کرد». از آنچه گفتیم، روشن شد که ذلت و زبونی بیش از

پیش مردم مسلمان در برابر حکومت جبار بنی امیه از آثار نامطلوب و رنج آور تهاجم وحشیانه‌ای بود که از طرف دولت ضد اسلام یزید به فرزند پیغمبر (ص) شد.

ضرورت خوردن اسلام

امام حسین (ع) پیشوای بزرگ اسلام بود و وظیفه آن حضرت این بود که: ۱- اصول و مقررات اسلام را بیان و تفسیر کند؛ ۲- باتبلیغ و ترویج قوانین اسلام زمینه پیشروی و نفوذ این دین را فراهم نماید، تا در سایه تبلیغات وی توسعه و انتشار بیشتری پیدا کند؛ ۳- راهنمایی و سرپرستی سیاسی مسلمانان را به عهده گیرد و نیروها و فعالیت‌های آنان را در سیاست و اقتصاد و سایر شئون حیاتی متشکل و هم آهنگ سازد، تا ملت مسلمان پایه‌های سعادت خود را استوارتر سازند و گام‌های بلندتری در راه ترقی و تکامل بردارند. هر امت و جمعیتی اگر بخواهند سعادت مند شوند، از دو چیز ناگزیرند: الف) قانون؛ ب) رجال قانون. قانون باید آن قدر کامل باشد که بتواند جواب گوی احتیاج‌های اجتماع باشد. و رجال قانون باید هم به آن ایمان داشته باشند، و هم قانون را درست بفهمند و هم برای ترویج و حمایت آن از بذل هیچ گونه کوششی دریغ ننمایند. رسول خدا (ص) فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و اهل بیتی؛ من کتاب خدا و عترت خود را در بین شما می‌گذارم» و بدین گونه هم قانون و هم رجال قانون را تعیین کرد. قانون کتاب خداست و رجال قانون عترت پیغمبر (ص) هستند و چون قانون به خودی خود نه زبان دارد و نه می‌تواند از خود دفاع کند. از این رو تنها رجال قانون هستند که باید آن را هم تفسیر و هم پشتیبانی و ترویج نمایند. بنابراین به هر نسبتی که مردان دانشمند دین شناس بیشتر باشند و برای پیشروی و سربلندی دین فعالیت کنند، به همان نسبت دین زنده می‌شود و پیش می‌رود. و به هر نسبتی که عدّه دانشمندان دینی کم شود و فعالیت‌های مذهبی رو به نقصان نهد به همان اندازه دین رو به ضعف می‌رود. اگر یک عالم دینی بمیرد، به اندازه شعاع شخصیت دینی و نفوذ مذهبی او به دین ضربه می‌خورد. زیرا دین، یک فرد طرفدار مدافع خود را از دست می‌دهد. و از این جهت در خبر وارد شده است: «اذا مات المؤمن الفقیه ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شی؛ اگر یک عالم دینی بمیرد، شکستی به اسلام می‌خورد که هیچ چیز آن را جبران نمی‌کند». از این مقدمات می‌توان به این حقیقت پی برد که کشتن امام حسین (ع) آن رهبر بزرگ و مجاهد چه ضربت جبران ناپذیری به اسلام وارد ساخت. برای درک این حقیقت لازم است این نکته مورد توجه قرار گیرد: آیا وجود امام حسین (ع) بزرگ‌ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان وحی و رسالت برای پیشروی و سربلندی اسلام تا چه اندازه مفید بود؟ بدیهی است وجود امام به اندازه شعاع شخصیت اسلامی و رهبری دینی و سیاسی آن حضرت برای پیشروی و شوکت و نفوذ اسلام مؤثر بود. پس به همین نسبت کشتن چنین رهبر بزرگ دینی و سیاسی زعیم عظیم اسلامی برای اسلام و مسلمانان زیان آور و خسارت بار بود و فقدان وی آن هم با آن صورت دردناک، شکست بزرگی بود که به جهان اسلام وارد آمد. عبد الله بن جعفر ضمن نامه‌ای به امام حسین (ع) می‌نویسد: «ان هلکت طفیء نور الارض؛ اگر تو کشته شوی نور زمین خاموش می‌شود» از این رو امام سجاد (ع) ضمن خطبه‌ای که هنگام بازگشت به مدینه در بیرون شهر ایراد کرد، فرمود: «أَنَّ الله قد ابتلانا بمصائب جلیله و ثلمه فی الاسلام عظیمه، قتل ابو عبد الله الحسین (ع)؛ مابه مصیبت‌های بزرگی مبتلا شدیم؛ حسین بن علی (ع) کشته شد و کشتن او شکست بزرگی بود که به اسلام وارد شد. از آنچه گذشت، روشن شد شکست بزرگی که با کشتن امام حسین (ع) به اسلام وارد شد؛ آثار نامطلوب و اسف‌انگیز قتل امام بود که به دست عاملان حکومت یزیدی واقع گشت.

شکست علمی

بعضی از بزرگان فرموده‌اند: «در سراسر فقه شیعه، حدیثی از امام حسین (ع) نقل نشده و بعضی فرموده‌اند: فقط یک حدیث از آن حضرت نقل شده است». اگر هر یک از این دو مطلب، حقیقت داشته باشد باید گفت: علت آن این است که پس از وفات حضرت

مجتبی (ع) به علت اختناق شدیدی که حکومت معاویه به وجود آورده بود، امام حسین (ع) طبعاً از صحنه سیاست کنار و مراجعات مردم به آن حضرت کم بود و پس از مرگ معاویه نیز بلافاصله به امام تهاجم شد و به دنبال آن قیام وی به وجود آمد و در این قیام شهید شد. اگر امام شهید نمی‌شد و خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می‌گرداند، در این صورت مثل پدر بزرگوارش در مسجد کوفه خطبه‌ها می‌خواند و برای عزل و نصب، فرمان‌ها صادر می‌نمود و در هر مناسبتی از حقایق قرآن و اسلام پرده برمی‌داشت و شاگردان فراوانی در تفسیر و حدیث و سایر علوم اسلامی تربیت می‌کرد و جهانی را از علم قرآن و حدیث پر می‌نمود. نهج البلاغه جزء بسیار کمی از آثار علمی امیر المؤمنین (ع) است که به صورت خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار در اختیار مردم قرار گرفته و معلوم است که قسمت اعظم این اثر گران بها در زمان خلافت آن حضرت صادر شده، زیرا در این زمان بود که رهبری اجتماع را به عهده داشت و در هر مناسبتی خطبه‌ای یا نامه‌ای یا کلمات حکمت آمیزی از حضرتش صادر می‌شد. اگر امام حسین (ع) نیز مثل پدر بزرگوارش زمام امور را به دست می‌گرفت و حداقل ده سال بر مردم حکومت می‌کرد، نهج البلاغه‌ها از وی به یادگار می‌ماند و آثار گران بهایی به صورت خطبه‌ها و نامه و فرمان‌ها و اخبار و احادیث اسلامی از حضرتش در اختیار مردم قرار می‌گرفت. یا اگر در مرحله سوم قیام - همان‌طور که خواست امام بود - ترک خصومت می‌شد و پسر پیغمبر (ص) به مدینه بر می‌گشت و پس از مرگ یزید خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می‌گرداند و یا در وضعی مشابه وضع حضرت سجاد و امام باقر (ع) به سر می‌برد در هر دو صورت آثار گران بهایی از علوم اسلامی از آن حضرت به یادگار می‌ماند. ولی هزار افسوس که آن وجود مقدس به شمشیر ظلم و استبداد کشته شد و جهان اسلام از فیض وجودش محروم گشت. پس باید گفت: یک علت اساسی که از سیدالشهدا (ع) اخباری در فقه نقل نشده همان کشته شدن آن حضرت بود و این هم یکی از آثار جنایت یزید است. در زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه وارد شده است: «و اصبیح کتاب الله بفقدک مهجوراً؛ با کشته شدن تو ای فرزند پیغمبر (ص)! قرآن کریم متروک شد» بدیهی است در صورتی که با کشتن امام (ع) قرآن کریم متروک شود، اخبار اهل بیت به طور شدیدتری متروک خواهد شد.

لکه ننگ

تهاجم وحشیانه‌ای که در حادثه کربلا به خاندان وحی و رسالت شد، بی‌تردید برای حکومت یزید و به طور غیر مستقیم برای خلفا و حاکمان اسلامی لکه ننگی بود که به هیچ وسیله‌ای شسته نمی‌شد. این یک سنت طبیعی و اجتماعی است که هر حکومتی هر قدر طرفدار حق و عدالت باشد، در افکار عمومی محبوب می‌شود و در مقابل، هر اندازه دست به ظلم و ستم بزند، در نزد مردم منفور می‌گردد و در سرآشویی سقوط قرار می‌گیرد. و از این رو حکومت یزید پس از فاجعه کربلا - بیش از پیش منفور شد و مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفت. اگر چه اختناق شدید به مردم فرصت نمی‌داد که آزادانه اظهار تنفر کنند، ولی این اختناق نمی‌توانست از خشم و نفرت عمومی بکاهد، بلکه آن را بیشتر می‌کرد. نه تنها مردم با ایمان از این حادثه دل‌خراش نگران و پریشان شدند، بلکه جیره خواران و نزدیکان دستگاه حکومت نیز نتوانستند از اظهار تنفر و تأسف خود داری کنند.

اینک چند نکته

۱ - پس از شهادت امام حسین (ع) «عبید الله بن زیاد» نامه فرمان قتل امام را از عمر بن سعد به شدت مطالبه کرد و ابن سعد از دادن آن به شدت امتناع نمود، آن گاه به ابن زیاد گفت: من درباره قضیه حسین بن علی به قدری برای تو خیر خواهی کردم و برای جلوگیری از جنگ کوشیدم که اگر این اندازه خیر خواهی برای پدرم «سعد بن ابی وقاص» کرده بودم، حق پدری او را ادا نموده بودم. عثمان بن زیاد برادر عبید الله بن زیاد که در مجلس حاضر بود، سخنان عمر بن سعد را تصدیق کرد و گفت: من دوست

می‌داشتم که همه فرزندان زیاد تا روز قیامت ذلیل و خوار باشند و حسین بن علی کشته نشود. از این قصه می‌توان به میزان زیاد تأسف و تنفر عمر بن سعد از کشتن امام حسین (ع) پی برد، بلکه نگرانی خود ابن زیاد را نیز می‌توان فهمید. ۲- مرجانه مادر عبید الله بن زیاد حاکم دیکتاتور را درباره کشتن امام حسین (ع) به شدت ملامت کرد و گفت: «یا خبیث قتلت ابن رسول الله! والله لاتری الجنة ابدًا؛ تو ای عنصر ناپاک! فرزند پیغمبر را کشتی، به خدا قسم هرگز بهشت را نخواهی دید». ۳- هنگامی که سر امام حسین (ع) را به مسجد دمشق آوردند، یحیی بن حکم برادر مروان حکم از آنان پرسید: چه کردید؟ آنان جریان کشته شدن امام را توضیح دادند؛ او گفت: بین شما و پیغمبر خدا در روز قیامت جدایی افتاد، من دیگر با شما در هیچ کاری شرکت نخواهم کرد. ۴- همین یحیی بن حکم، وقتی که سر امام را نزد یزید دید، از روی ناراحتی و تأسف گفت: «آیا باید فرزندان «سمیه» مادر زیاد - که زن بدکاره‌ای بود - به عدد ریگ‌های بیابان باشند، ولی فرزندان فاطمه زهرا (س) دختر پیغمبر (ص) باید کشته و نابود گردند؟!»

آثار ثمر بخش

اشاره

اکنون به بعضی از آثار ثمر بخش قیام مردانه حضرت امام حسین (ع) اشاره می‌کنیم:

مکتب سیار

فعالیت‌های ثمر بخشی که آنمه اهل بیت: برای عقیم کردن تبلیغات مسموم و زنده نگه داشتن نام پرافتخار امام حسین (ع) کردند، مکتب زنده و آموزنده سرور مجاهدان را با آن تشعشع مخصوص اش به جهانیان معرفی کرد و هرچه زمان بیشتر گذشت، خورشید حقیقت حسینی بیشتر درخشید و شعاع نور بخشی آن وسیع تر گشت، تا آن جا که شخصیت با عظمت سید الشهداء - صلوات الله علیه - شمع جمع شد و شیفندگان انسانیت را دل باخته خود گرداند و محبت آن حضرت تا اعماق روح و جان مردم حقیقت طلب نفوذ کرد. این جاذبه شخصیت با عظمت امام حسین (ع) مکتب آن حضرت را به صورت مکتبی خود کار و سیار و فعال درآورد؛ تا آن جا که می‌توان گفت: در جهان تشیع، اگر احکام اسلام تبلیغ می‌شود. اگر اخلاق و عقاید دینی تشریح می‌گردد و اگر ندای قرآن تا دورترین روستاها و حتی در بین عشایر خانه به دوش طنین می‌افکند، همه اینها به برکت مجالسی است که به نام سید الشهداء (ع) و زیر لوای آن حضرت تشکیل می‌گردد و مردم با شور و اشتیاق کم نظیری به این مجالس رو می‌آورند و حقایق اسلامی را می‌شنود و از منع فیض حسینی سیراب می‌گردند.

تربت امام، شفای بیماران

اشاره

یکی از ثمرات و برکاتی که خداوند عالم در عوض شهادت امام حسین (ع) به وی داده این است که تربت آن حضرت را وسیله شفای بیماران قرار داده است. ما در این جا از آن همه روایاتی که در این باب وارد شده، می‌گذریم و به نقل یک حکایت اکتفا می‌کنیم: عالم زاهد پرهیزکار، حجه الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی قدس سره (دایی این جانب) نقل فرمودند: «من در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله آخوند خراسانی (ره) که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم، مریض شدم و این بیماری مدتی طول کشید و پرستاری مرا بعضی از طلاب در همان حجره مدرسه به عهده داشتند. پس از چندی بیماری من به قدری شدید شد، که پزشکان از شفا یافتن مأیوس شدند و دیگر برای معالجه‌ام نیامدند و من در حال شدت تب گاهی بی

هوش می‌شدم و گاهی به هوش می‌آمدم. یکی از دوستان که مرا پرستاری می‌کرد - شنیده بود زاهد مرحوم آیه‌الله آقای حاج آقا علی محمد نجف آبادی (ره) مقداری از تربت اصل حضرت سیدالشهدا - (ع) را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وی خواسته بود که قدری از آن تربت را بدهد که به من بخوراند تا شفا یابم. ایشان فرموده بود، به قدر یک عدس تربت دارم و آن را گذاشته‌ام که بعد از مرگم در کفم بگذارند. آن آقا ناراحت شده و گفته بود: حالا که ما از همه جا مأیوس شده و به شما پناه آورده‌ایم، شما هم از دادن تربت خودداری می‌کنید؛ این بیمار در حال احتضار است و می‌میرد. مرحوم آیه‌الله آقای حاج علی محمد دلش به حال بیمار سوخته و قدری از آن تربت را - که از جان خودش عزیزترش می‌داشت - به آن شخص داده بود. تربت را با آداب مخصوصی که وارد شده، در آب حل کرده و در حلق من ریخته بودند. من که در حال بی‌هوشی به سر می‌بردم، ناگهان چشمان خود را باز کردم، دیدم دوستان اطراف بستر من نشسته‌اند. خوب دقیق شدم و آنان را شناختم. قصه تربت را که به حلقم ریخته بودند، برایم شرح دادند. من کم کم در خود احساس نیرو و نشاط کردم و حرکتی به خود دادم و نشاط بیشتری یافتم. برخاستم و ایستادم چون یقین کردم که به برکت تربت مقدس امام حسین (ع) شفا یافته‌ام، حال خوشی پیدا کردم و به دوستان گفتم: بدون مجامله می‌خواهم از شما خواهش کنم از حجره بیرون بروید، چون می‌خواهم زیارت عاشورا بخوانم. آنان از حجره بیرون رفتند، من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشی که قابل وصف کردن نیست، مشغول خواندن زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) شدم. مرحوم آقای حاج شیخ (ره) این داستان را باحال گریه نقل می‌کردند، بطوری که گاهی گریه سخنان معظم له را قطع می‌کرد.

محبوبیت امام و خاندان علی بالا می‌رود

اشاره

یکی از آثار ثمر بخش قیام مردانه امام حسین بن علی (ع) محبوبیت بیش از پیش امام بود، زیرا پس از حادثه کربلا محبوبیت آن حضرت چنان ریشه دار شد که تا اعماق دل و جان مردم نفوذ کرد. اگر حسین بن علی (ع) پیش از قیام به عنوان امام وقت و سبط پیغمبر (ص) و بزرگ‌ترین شخصیت از خاندان وحی و رسالت شناخته می‌شد. پس از قیام، علاوه بر مقامات سابق به نام عالی‌ترین نمونه مردانگی و فداکاری در راه حقیقت شناخته شد و به عنوان کامل‌ترین مرد مجاهدی که به علت طرفداری و دفاع از اسلام به خاک و خون غلطید، نام پر عظمتش در خاطره‌ها نقش بست. کیست بشنود که: حسین بن علی (ع) به خاطر حمایت از قرآن در پیش چشم خانواده‌اش با شمشیر استبداد کشته شد و دلش به سوی او متوجه نشود و به وی عشق نورزد؟ کیست که از جانبازی عاشقانه سبط پیغمبر (ص) آگاه شود و به هیجان نیاید و قلبش در محبت وی نتپد؟ هر انسان با شعوری در هر گوشه‌ای از جهان و دارای هر عقیده‌ای باشد، وقتی که بشنود بزرگ‌ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان پیغمبر (ص) به علت دفاع از انسانیت و حقوق انسان‌ها به دست عمال حکومت سرنیزه به خون غلطید، بی اختیار دلش در این مصیبت جانکاه می‌سوزد و بر قهرمان این فداکاری بی نظیر درود می‌فرستد و قلبش مجذوب وی می‌گردد و در عشق او به هیجان می‌آید، و هر چه نامش را بیشتر بشنود و از قیام مردانه وی بیشتر یاد کند، علاقه و محبتش به این پیشوای مجاهدان عمیق‌تر و ریشه دارتر می‌شود. و این یک سنت طبیعی و غیر قابل تغییر است که روح و دل انسان‌ها به سوی انسانی که در راه دفاع از حقیقت کشته می‌شود، مجذوب می‌گردد. این محبوبیت که در واقع بمنزله خون تازه‌ای بود که در رگهای اسلام جریان پیدا می‌کرد، آرام آرام موقعیت خاندان علی (ع) را آن چنان استوار ساخت که دیگر برای ستمگران و جباران بعدی هیچ گونه امکان آن شیخون زدن‌ها و یورش‌ها را به موجودیت دودمان امیر المؤمنین باقی نگذارد. در نتیجه، هم خاندان نبوت و هم اسلام اصیل و واقعی از یک خطر حتمی و سقوط قطعی نجات یافت. آری، قیام خونین «طف» در واقع به منزله تجدید حیات و قدرت معنوی برای اسلام و پیامبر بزرگ آن بوده است، زیرا جاذبیت خاصی که پس

از آن برای حسین (ع) بوجود آمده بود عواطف و تمایل شدید قشرهای مختلف اجتماع را به سوی آن بزرگوار معطوف داشت و این خود موجب گردید، تا در پرتو زنده ماندن اسم آن حضرت، نام پیغمبر و میراث آسمانی او هم زنده بماند به آن گونه تا این تاریخ، قرن‌ها است که داغ‌ترین و شورانگیزترین حماسه‌ها و جنبش‌های اسلامی و انسانی با الهام از جانبازی‌ها و فداکاری‌های بی دریغ آن حضرت به وجود آمده و آشنائی مردم با تعالیم و معتقدات اسلامی و زنده ماندن شئون و مظاهر صحیح مذهبی تحت عنوان یادبود خاطره کربلا- انجام گردیده است. هر چند معتقدم که از مجامع سوگواری و اجتماعات عظیمی که به خاطر جاذبه حضرت سید الشهدا به وجود می‌آید، آن گونه که مورد انتظار است و باید، بهره برداری نمی‌گردد و به مقداری که نیرو در این راه مصرف می‌شود، نتیجه‌گیری انجام نمی‌گیرد (و این خود بحثی است که با خواست خداوند در پایان مقاله خواهد آمد و ما خود طرح‌های مفیدی در این باره داریم که در آن جا ارائه خواهیم داشت) اما با این حال کیست که نقش حیاتی و عظیم این مجامع را در حفظ اساس و کیان شیعه تا این عصر انکار ورزد؟! آری، این ثمره و راه یافتن دودمان علی (ع) به طور عمیق و ریشه دار در دل‌های مردم از مهم‌ترین آثاری بود که نهضت مقدس حسین (ع) آن را به بار آورد.

یک نکته

ولی یک نکته را باید دانست که این محبوبیت از آثار طبیعی و قهری مجاهدات مردانه امام است، نه هدف او البته بدیهی است که این محبوبیت قهری برای آن حضرت مخفی نبود، بلکه پیش از وقت هم پیش بینی می‌کرد که پس از شهادت محبوب‌تر و گرامی‌تر خواهد شد. از این رو، روز عاشورا وقتی که حملات شدید دشمن به وی شروع شده بود، ضمن سخنانش با اردوی دشمن به این امر اشاره می‌کرد: «وایم الله انی لأرجو أن یکرمنی منی الله بهوانکم؛ به خدا قسم من امیدوارم که خداوند مرا گرامی گرداند و شما را خوار و بی‌مقدار سازد». امام در این سخن، به دو سنت طبیعی اشاره فرموده است: ۱- سست شدن دستگاهی که به کشتن فرزند پیغمبر (ص) اقدام کرد؛ ۲- عزت و محبوبیت بیش از پیش امام که در راه دفاع از حقیقت به خاک و خون غلطید. در این جا باز باید تذکر دهیم که «ماربین» آلمانی چون دیده است امام حسین (ع) پس از شهادت محبوب‌تر شده، خیال کرده است که آن حضرت خود را به کشتن داد، تا احساسات مردم به نفع وی تحریک شود و بیشتر به او محبت پیدا کند. ولی این نیز از باب اشتباه هدف با نتیجه قهری است، زیرا محبوبیت بیشتر امام پس از شهادت یک سنت طبیعی و از آثار قهری قیام مردانه آن حضرت است.

آل امیه منفور می‌گردد

چهارمین اثر مهم و بزرگی که نهضت مقدس (ع) به بار آورد، برملا- ساختن ماهیت کثیف و ننگین بنی امیه بود. آن قیام و جنبش اصیل که، پرده‌ها را یک باره بالا- زد، به خوبی توانست چهره آلوده و سیرت دیو مانند آنها را در برابر امت عملاً ترسیم ساخته و میزان قساوت، درندگی، رذالت و پای بند نبودن آنها را به هیچ اصلی از اصول انسانیت و شرف آشکار سازد. زاده علی (ع) با آن فداکاری و جانبازی خویش برای همگان روشن ساخت که اینان نه تنها از کشتن عنصرهای فضیلت و زادگان پیامبر با لب‌های تشنه و شکم‌های گرسنه امتناع ندارد، بلکه کودکان شیر خوار و خرد سال آنها را هم در برابر دیدگان پدر هدف تیرهای مسموم و کشنده قرار می‌دهند و دختران کوچک و بی‌گناه را به غل و زنجیر می‌کشند و با پای برهنه آنها را از بیابان‌ها و بر روی خارها عبور می‌دهند. این جنایت‌های هولناک آن چنان پرده از ماهیت بنی امیه بالا زد و آن دشمنان واقعی اسلام را رسوا ساخت که قیافه‌های اهریمنی و شیطانی آنها را آن گونه که بود، نشان داد و در نتیجه به موازاتی که محبوبیت خاندان پیغمبر بالا- می‌رفت، نفرت و انزجار شدیدی از بنی امیه در دل‌ها ایجاد می‌گردید، تا آن جا که می‌توانست نقشه‌های شوم «زاده هند» را که با جعل احادیث و روایات ساختگی می‌خواست خاندان بنی امیه را به نام‌دین در دل‌های مردم جای دهد، همه را نقش را بر آب سازد. کار این

منفوریت در اجتماع به حدی بالا گرفت که سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هیچ یک از آل امیه جرأت نداشت نسبت خود را آشکار سازد، بلکه بدن‌های مردگان آنها را از قبر بیرون کشیدند و با آتش می‌سوزاندند. آری، راه پیشرفت و پیروزی که داشت با سرعت فراوان برای آن دودمان کثیف در بین امت هموار می‌شد، بعد از واقعه «طف» یکباره درهم ریخت و بارسوایی و فضیحت بساط بوسفیانیان برچیده گشت.

نهضت‌هایی که از حادثه کربلا الهام گرفت

سومین اثر عمیق و مهم که واقعه «طف» آن را به وجود آورد، نهضت‌های اصیلی است که با الهام از آن واقعه انجام شد. این قیام‌های خونین که تقریباً رهبری همه آنها را سادات و بنی هاشم برعهده داشتند، خود یکی از ثمرات شیرینی است که فداکاری‌های بی دریغ حسین (ع) و یاران عزیزش، آن را به بار آورد، زیرا تا آن روز هر چند جنگ‌های فراوانی در اسلام رخ داده بود، همانند نبرد علی و فرزندش حسن (ع) که در آنها مردان اصیل و آزاده اسلام سخت با ستم کاران و فرصت طلبان پیکار کردند و فداکاری‌های بسیاری انجام دادند، اما آن جنگ‌ها همگی به صورت برخورد حکومتی با حکومت دیگر بود و هر دو طرف از امکانات (دوقدرت) برخوردار بودند، از جنبه نفرت و سلاح گرفته تا آذوقه و اقتصاد هر دو جبهه، دارای شرایطی مساوی یا قدرتی ضعیف‌تر بودند، اما واقعه کربلا این گونه نبود، در آن جا (قدرت) تنها در یک طرف بود و حکومت در برابر حکومت قرار نداشت. در آن جا دو طرف نه تنها دارای شرایطی مساوی نبودند، بلکه از نظر امکانات و نیرو درست در دو قطب مخالف بودند. در حادثه «نینوا» یک طرف پیکار یزید است که در رأس قدرت قرار دارد و از همه امکانات و عوامل مادی به طور وسیع و بی سابقه‌ای برخوردار است. اما طرف دیگر، یعنی جبهه حسین (ع) نه قدرت دارد و نه حکومت، بلکه تنها جمعی آزادمردان خدا ساخته و شریف بودند که تعدادشان از صد نفر تجاوز نمی‌کند، و اینان - به عکس رقیب خود - دست‌های پراز فضیلت شان از همه امکانات مادی تهی است! نه اسلحه کافی دارد و نه وسیله سواری و حتی نه آب و نان. اما با این حال نشان دادند که در حکومت جباران و ستمگران، آنجائی که برای عدالت و آزادی بافضیلت و شرف ارزشی نیست، مرگ شرافت‌مندانه به مراتب از زندگی ننگین و سازش با آنها بهتر است. آری، این گونه پیکار و جنگ با این شرایط کاملاً متفاوت، تا آن روز سابقه نداشت و برای اولین بار این حسین و یاران آزاده وی بودند که نشان دادند ممکن است جمعی کوچک و نفرتی محدود، بدون داشتن هیچ گونه امکانات مادی در یک محیط خفقان آور و در حکومت بیداد گران نعره‌های حق طلبانه خویش را از دل برکشند و به خاطر هدف‌های خدایی و انسانی با دستی خالی پیکار کنند و هر چند در آن راه جان خود را از کف بدهند، اما چون بر خدا و حق تکیه دارند پیروز گردند. آری، از این جاست که ما تنها قیام خونین حسین (ع) - نه جنگ‌های اصیل گذشته - را الهام بخش آن نهضت‌های کوچک، اما اصیل و پر ثمر می‌شمیریم که به وسیله بنی هاشم و سادات در برابر حکومت‌های غاصب به وجود می‌آید و تردیدی نیست که نقش همان قیام‌ها و جنبش‌ها با حجم کوچک شان در حفظ موجودیت اسلام و قوانین عدالت گستر آن بسیار حیاتی و حساس بوده است، زیرا تردیدی نیست که اگر دوران حکومت زمامداران بعدی بانهایت آرامش و بدون درد سر می‌گذشت، بی شک آنها که نه با اسلام رابطه گرمی و نه با ملت پیوندی داشتند، کمتر احساس احتیاج می‌کردند که به مقررات اسلامی و حفظ شئون دینی تظاهر کنند و از ستم به مردم بپرهیزند. اما آن جنبش‌ها و قیام‌های مسلحانه‌ای که به وسیله سادات و بنی هاشم انجام می‌گردید، آن هم توأم با محبوبیت خاصی که خاندان پیغمبر: بعد از حادثه کربلا - به دست آورده بودند؛ گاهی آن چنان مشکل عظیم برای حکومت‌ها و خلفای ناشایسته وقت به وجود می‌آورد که آنها را به سقوط و شکست قطعی تهدید می‌نمود. بی شک در چنین شرایط، آن جباران خود را به حفظ حقوق مردم و مقررات و تظاهر به رعایت اصول و مبانی اسلامی بیشتر محتاج می‌دیدند، تا از این راه هم بر محبوبیت خویش در بین مردم بیفرایند و هم از حمایت اجتماع در برابر سادات بیشتر برخوردار باشند و از طرف سوم، بهانه‌ای هم به دست مخالفان

خود و بنی هاشم نداده باشند. با این حساب نقشی که قیام سادات در برابر حکومت‌های ناشایست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پیامبر گرامی و رعایت حقوق مردم داشت، جای هیچگونه تردید نیست و این نهضت‌ها خود یکی از آثار مهم و ثمرات شیرینی است که بی‌شک از نهضت ریشه دار و عمیق حضرت حسین بن علی (ع) الهام می‌گرفت.

درس‌های عملی

اشاره

یکی دیگر از آثار گران‌بهای قیام امام حسین (ع) این است که با قیام آن حضرت درس‌های عملی پر ارزشی در اختیار جهان اسلام، بلکه جهان انسانیت گذاشته شد و بدون تردید درس عملی از درس زبانی و قلمی خیلی مؤثرتر و نافذتر است. جامعه اسلامی؛ بلکه جهان انسانی می‌تواند از هریک از مراحل قیام امام درس مخصوصی فراگیرد و از مکتب جاویدان حسین بن علی (ع) برای سعادت اجتماع همیشه استفاده کند. و اینک به درس‌های عملی که از چهار مرحله قیام آن حضرت می‌توان آموخت، اشاره می‌کنیم: الف) آن‌گاه که عناصر دنیا پرست بخواهند با قدرت سرنیزه، تصویب حکومت غیرقانونی را تحمیل کنند، باید چنین تحمیلی را نپذیرفت و به مقاومت پرداخت، و اگر امید این معنا هست که نیروهای ملی متشکل شوند و برای مبارزه با حکومت ظلم شروع به فعالیت کنند باید به ارزیابی اوضاع سیاسی و نیروهای ملی پرداخت، تا اگر امکان مبارزه هست برای درهم کوبیدن ظلم و فساد شروع به کار شود. چنان که امام حسین (ع) برای مقاومت در برابر حکومت یزید و ارزیابی اوضاع سیاسی و ارزیابی قدرت ارتش ملی به مکه هجرت فرمود. این درسی است که از مرحله اول قیام امام می‌آموزیم. ب) اگر پس از ارزیابی نیروهای ملی، معلوم شد که افکار عمومی خواهان تغییر حکومت است و نیروی کافی برای تشکیل حکومت وجود دارد، باید با کمال شهامت برای تشکیل حکومت عادلانه اقدام کرد. چنان که امام حسین (ع) پس از گزارش مسلم بن عقیل که نیروی کافی برای تشکیل حکومت فراهم شده و امکان پیروزی نظامی بود، با همتی مردانه برای تشکیل حکومت اسلامی و سوزاندن ریشه ظلم و فساد اقدام فرمود و به سخنان این و آن گوش نداد. و این درسی است که از مرحله دوم قیام امام می‌آموزیم. ج) اگر معلوم شد که دیگر امکان پیروزی نظامی نیست، باید با تمام نیرو برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ کوشید تا نیروهای موجود به حالت ذخیره بماند و بتوان در فرصت‌های دیگری فعالیت‌های وسیع‌تری به نفع اسلام آغاز نمود. چنان که حسین بن علی (ع) وقتی که با حرّ بن یزید برخورد کرد و دیگر امکان پیروزی نظامی و تشکیل حکومت نبود برای مراجعت به حجاز و جلوگیری از برخورد نظامی کوشش فراوان کرد و از هنگام برخورد با حرّ بن یزید تا آخر کار حداقل پنج دفعه پیشنهاد مسالمت فرمود. و این درسی است که از مرحله سوم قیام امام می‌آموزیم. د) اگر رهبر قیام در محاصره دشمن واقع شود و از او بخواهند که بی‌قید و شرط تسلیم شود، ولی معلوم است که اگر تسلیم گردد، او را خلع سلاح می‌کنند و ذلیلانه می‌کشند؛ در این صورت باید تسلیم دشمن نشود و مردانه به مقاومت و دفاع پردازد تا پیروز شود. اگر چه احتمال یک در صد باشد. و یا به افتخار شهادت برسد. چنان که امام حسین (ع) پس از آن که در محاصره نیروهای دشمن واقع شد و معلوم بود که اگر تسلیم شود، آن حضرت را ذلیلانه خواهند کشت، در این شرایط مردانه به مقاومت و دفاع پرداخت و سرانجام به افتخار شهادت رسید. و این درسی است که از مرحله چهارم قیام آن حضرت می‌آموزیم.

درس عزت نفس

اشاره

علاوه بر درس‌هایی که گفته شد درس دیگری نیز از قیام امام حسین (ع) می‌توان آموخت و آن «عزت نفس» است. از مطالعه تاریخ

قیام، امام معلوم می‌شود پس از آن که آن حضرت در محاصره نیروهای ابن زیاد واقع شد، دو مسئله مطرح بوده است: یکی این که، امام حسین (ع) خلافت یزید را بپذیرد و دیگری این که، ذلیلانه و خاضعانه تسلیم ابن زیاد گردد، و این غیر از پذیرفتن خلافت یزید است؛ یعنی چیزی است که علاوه بر خلافت یزید می‌خواستند بر امام تحمیل کنند. آن‌گاه که در مدینه به فرزند پیغمبر (ص) پیشنهاد کردند، خلافت یزید را بپذیرد فقط از او می‌خواستند که تسلیم اراده یزید شود و دیگر از پذیرفتن فرمان ابن زیاد سخنی در بین نبود. ولی آن‌گاه که در بیابان سوزان کربلا آن حضرت را در محاصره نیروهای مسلح عبید الله زیاد گرفته بودند، علاوه بر پذیرفتن خلافت می‌خواستند این ذلت را بروی تحمیل کنند که تسلیم بی قید و شرط ابن زیاد شود، تا او هر فرمانی که دلش خواست درباره امام صادر کند، اگر چه فرمان اعدام باشد. امام حسین (ع) در یکی خطبه‌های روز عاشورا این مطلب را بدین گونه توضیح می‌دهد: «این ناکس پسر ناکس [ابن زیاد] مرا به پذیرفتن یکی از دو چیز ناچار کرده است: یا شمشیر کشیدن و جنگیدن و یا قبول ذلت کردن». در خطبه امام این مطلب روشن است که باید حسین بن علی (ع) ذلیلانه تسلیم ابن زیاد گردد. پس معلوم می‌شود اگر بفرض محال امام در کربلا خلافت یزید را می‌پذیرفت، باز هم او را آزاد نمی‌گذاشتند که مثلاً به وطن خود مدینه برگردد، بلکه باید پس از بیعت کردن با یزید تسلیم اراده ابن زیاد شود. بنا براین، از وقتی که امام حسین (ع) در محاصره نیروهای «عبید الله بن زیاد» شد، مقاومت آن حضرت دوجانبه گشت؛ یعنی هم مقاومت می‌کرد که خلافت ضد قرآن یزید را نپذیرد و هم مقاومت می‌کرد که ذلت و خفتی را که می‌خواستند بروی تحمیل کند، نپذیرد و عزت نفس خود را حفظ کند و این عزت نفس در مراحل اخیر مبارزه امام بیشتر تجلی کرد. مقاومت حسین بن علی (ع) در مقابل دستگاه دیکتاتوری یزید در همه مراحل، مردانه و شجاعانه بود. ولی مقاومت دلیرانه و عاشقانه‌ای که از صبح عاشورا، تا وقت شهادتش از خود نشان داد، به اندازه‌ای حیرت‌انگیز و بهت آور است که بدون مبالغه هیچ قلم توانا یا زبان گویایی نمی‌تواند آن را آن‌چنان که هست، تحریر یا تقریر نماید. آن‌گاه که حسین بن علی (ع) در محاصره شدید نیروهای مسلح ابن زیاد قرار گرفته و اردوی تجاوز کار دشمن آماده بود که با حمله‌ای، کار آن حضرت را یکسره کند. آن‌گاه که برق شمشیر سی هزار نظامی مسلح دشمن چشم‌ها را خیره کرده و دل‌ها را می‌لرزاند. آن‌گاه که سوز تشنگی سراپای وجود امام را می‌گداخت و جهان پیش چشمش تیره و تار شده بود. آن‌گاه که زنان و کودکان امام در خیمه‌ها منقلب و پریشان و در حال سوز و گداز به سر می‌بردند. آن‌گاه که خاندان آن حضرت در حال بلاتکلیفی و نگرانی از آینده و در انتظار اسیری دقیقه شماری می‌کردند. آن‌گاه که ناله‌های جانسوز زنان و کودکان تشنه و سرگردان قلب پر محبت امام را می‌لرزاند و جگرش را چاک می‌زد. امام حسین (ع) در چنین اوضاع و احوال وحشت‌زایی که هر پهلوان مرد افکنی را بی‌چاره می‌کند و در چنین عرصه پرمحتی که تهمتن‌ها و شیردلان را به زانو در می‌آورد؛ در میان چنین طوفانی بلایی می‌گوید: «هیئات مَّنا الذَّلَّةُ؛ ماهرگز ذلت را نمی‌پذیریم». و می‌گوید: «لا-أعطیهم بیدی اعطاء الذلیل»؛ من دست ذلت به دست ایشان نمی‌دهم. آه! که چه عزت نفس و حریت ضمیری از فرزند پیغمبر (ص) بروز کرده است! عجبا که چه عظمت روح و علو طبع و نبوغ ذات حیرت‌انگیزی از پسر فاطمه (ع) ظاهر گشته است! این همان درس عزت نفسی است که از مکتب حسین بن علی (ع) می‌توان آموخت. حادثه عاشورا نه تنها برای مسلمانان مایه عبرت بوده است، بلکه بسیاری از رهبران و نوابغ مذهبی علمی و سیاسی سایر مذهب‌ها و کشورهای جهان هم، آن را پایه و اساس حکومت خود قرار داده‌اند و از آن حادثه جاوید برای رسیدن به آرمان‌های کشور و مذهب خود استفاده می‌کنند که در زیر به سخنان بعضی از آنها اشاره می‌شود:

نهضت حسین از نظر «مهاتما گاندی»

برمن روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز باشد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند.

آثار نهضت امام حسین از نظر «سیو مارین» آلمانی

امام حسین (ع) برای پایدار داشتن پرچم اسلام، پرچمی که با فداکاری و از خود گذشتگی‌های جدش و با ایثار خون پاک صدها مسلمان غیرتمند برافراشته شده بود، جان و مال و خانواده و دوستان خود را فدا نمود، تا به دنیا نشان دهد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چند عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت. او با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت.

محمد علی جناح

محمد علی جناح درباره آثار قیام حسین (ع) چنین می‌گوید: هیچ نمونه‌ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهورنشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد پیروی نمایند.

حادثه عاشورا از نظر لیاقت علیخان

این روز [عاشورا] برای مسلمانان سراسر جهان معنای بزرگ دارد. شهادت یکی از عظیم‌ترین پیروان اسلام مثل درخشنده و پایدار برای همه ماست. این درس به ما می‌آموزد که اشکال و خطرات هر چه باشد؛ نباستگی از راه حقیقت و عدالت منحرف شد.

اثر نهضت حسین از نظر گیون مورخ مشهور

در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین‌های مختلف شرح صحنه حزن آور مرگ حسین موجب بیداری قلب خون سردترین قارئین خواهد شد. «چارلز دیکنس درباره آثار نهضت حسین این گونه می‌گوید: اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می‌نماید که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.

آثار نهضت حسین از نظر «توماس کارلایل»

بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق و باطل رو به رو می‌شود، اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است.

نهضت حسین از نظر فردریک جمس

درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیر است و هم چنین می‌رساند که هرگاه کسی برای این صفات ابدی مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

کلام آخر

و به راستی! با چنین حسن و ملاحظت اگر ایشان بشرند ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند سلام گرم عاشقان آزادگی و عزت نفس بر تو باد ای قهرمان آزادگی و حریت! که ذلت را نپذیرفتی و در حال مقاومت افتخار آمیز به خون خود غلطیدی. درود پر شور شیفتگان حق و عدالت بر تو باد ای فرشته بشر! سیما که در راه دفاع از حق و عدالت تا آخرین نفس ایستادگی کردی و سرانجام در راه هدف مقدس خود عاشقانه جان دادی! سلام سوزان دل باختگان آزادی و انسانیت نثار بارگاه عظمت و جلال تو باد ای مرد آسمانی و ملکوتی! که از تار و پود وجود تو برای همیشه این ندا بلند است که: «هیئات منا الذلّة؛ ما هرگز ذلت را نمی‌پذیریم».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵-۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR شماره ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

